



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۸/۰۳

م. اسحاق نگارگر

تحسین و مکافات عمل خوب و تقبیح و مجازات عمل بد

شیوه پیشامد با زن است که درجه انسانیت مرد را نشان می دهد. اُسوه حسنه مسلمانان حضرت رسول کریم است و او در تمام عمر بر هیچ زن دست بالا نکرد. من تنها وقتی که چهره یک زن لت و کوب شده را می بینم از مرد بودن خود شرم می کنم و اشک ندامت در چشمانم پدیدار می شود. این یادداشتی است که من در باره استنتاج از آیه های سی و چهارم و سی و پنجم سوره نساء در ۲ آگست ۲۰۱۵ نوشته بودم. ۲ آگست ۲۰۱۷ نگارگر برمنگهم

هیچ جامعه ای نیست که در آن برای عمل خوب تحسین و مکافات و برای عمل بد تقبیح و مجازات وجود نداشته باشد!

من امروز باز به موضوع زنان و به آیه های سی و چهارم و سی و پنجم سوره نساء می پردازم که همیشه مورد حمله مخالفان اسلام قرار گرفته است و کسانی که در باره آن بحث کرده اند دو دسته به کلمه (اضربوا هنَّ) چسبیده اند چنانکه پنداری خدا (ج) زدن زنان را بر مردان فرض گردانیده است. به هر صورت متن و روح آیات کلام الله نشان می دهد که خداوند به هیچ وجه نمی خواهد در رابطه زن و شوهر مداخله دیگران صورت پذیرد.

خواست خداوند این است که هرگونه مشکل زندگانی زن و مرد باید میان خود شان حل شود. آیه سی و چهارم سوره نساء از (الرجال قوامون علی النساء) آغاز می گردد. خانواده در حقیقت یک جامعه کوچک است و از این دیدگاه با جامعه بزرگ هیچ تفاوت ندارد. معمولاً هر جامعه برای اداره بهتر امور خود یک رهبر دارد و خداوند مرد را رهبر خانواده برگزیده است که در حقیقت تمام مسؤولیت های بیرونی این جامعه کوچک به گردن مرد است اما معنای این گفته به هیچ وجه این نیست که مرد از مشوره با دیگر اعضای خانواده بی نیاز است.

پدرها هم یا پدر های دموکرات استند که خانه را با مشوره و محبت اداره می کنند یا پدر های خشن و دیکتاتور که به اصطلاح همیشه سرکه برات آورده اند و بسیار عصبی استند اما به هر صورت خانواده تحت قیمومیت مرد قرار دارد. آیه سی و چهار سوره نساء چه می گوید: می گوید: "اگر از نشوز همسر خوف داشتید"

این جا فقط خوف از نشوز مطرح است زیرا اگر زن نشوز کند او پل های برگشت به حریم ازدواج را ویران کرده است. پس در این آیه تنها خوف از نشوز مطرح است نه عمل نشوز. حالا باید بدانیم که نشوز خود چیست؟

شوهر در خانه حضور ندارد در غیاب شوهر زن که شخص دوم است وظیفه دارد از مال، راز، عرض و آبروی شوهر و عفت خود نگاه داری کند. حضرت خواجه عبدالله انصاری در کشف الاسرار میبیدی معنای نشوز را بسیار

پوست کنده برای ما می دهد. "پس زنان نیکخو، شوهران خود را فرمانبردارانند و زیر جامه خویش را (عفت) نگاه دارند. تفسیر حسینی ص ۱۷۷ نیز در این مورد می گوید: "نگاهداریندگان مر غیبت ازواج را یعنی حفظ الغیب ازواج رعایت کنند در عفت و عصمت و نشوز عملی برخلاف حفظ الغیب است. اگر صحنه را خوب تر مجسم کنیم مرد مدتی در خانه نیست و وقتی باز آمده است گرفتار این شک و تردید گردیده است که همسرش در غیاب او ممکن با مردی دیگر رابطه برقرار نموده باشد که برخلاف عفت و اخلاق است. در چنین حالت مرد به اصطلاح مانند سیر و سرکه می جوشد و سخت عصبی است. در همین حال است که آیه سی و چهارم برای او سه عمل را درجه به درجه تعیین می کند:

نخست او باید بر خشم خود غلبه کند و با آرامی همسر خود را پند بدهد اگر پند او کارگر نیفتاد در اتاق خواب از او دوری کند و اگر این هم سودی نداشت می تواند او را بزند اما چه گونه زدن. هرگز اجازه ندارد که بر روی زن با سلی بزند. داغ زدن باید در وجود زن نماند و دلچسپ است که یکی از اصحاب از حضرت پیامبر می پرسد: "پس چه گونه بزند؟" و جواب رسول مقبول بسیار جالب است. او به روایت مشکوة (ص ۲۸۱) می گوید: "ولن یضرب خیارکم - اهل خیر در میان شما هرگز زن را نمی زند" و اگر بسیار خشمگین بود می تواند با مسواک بزند. ولی امام شافعی می گوید: "چون هر مسلمان باید اهل خیر باشد و حضرت رسول (ص) گفته است که اهل خیر هرگز زن را نمی زند پس بهتر همان است که مرد زن خود را هرگز نزند." و اما اگر مرد بسیار خشمگین بود و پند و جدا خوابیدن در اتاق خواب هر دو سودی نکرد و مرد بر زن دست بالا کرد آنگاه آیه سی و پنجم برای حفظ پیوند هر دو می گوید که چون زن و مرد هر دو خشمگین استند و مشکل را پیچیده تر می کنند پس یک وکیل از جانب مرد و یکی از جانب زن بنشینند و در مورد آینده شان تصمیم بگیرند. به هر صورت خوف نشوز یک حالت جرمی است و نه حالت عادی و اگر خانم ها از لفظ (اضربوا هُنَّ) نوعی احساس تبعیض می کنند من برای شان می گویم که آیه چهارم سورة نور در باره مردانی که بر زنان پاکدامن و پارسا تهمت می زنند نیز حکم مجازات کرده و گفته است که آن مردان را تازیانه بزنید و هشتاد تازیانه بزنید. چون این جا جرم صورت می گیرد خدا (ج) به قاضی دستور می دهد که این مردان را در محکمه تازیانه بزند و چون این یک حالت جرمی است هیچ مرد نمی تواند اعتراض کند و اگر اعتراض کرد پاسخ همین است که جرم مکن کسی با تو کار ندارد ولی احترام زنان را نگاه می دارد و نمی خواهد که راز زن و مرد از پرده بیرون بیفتد تا زن شوهر را گرفتار خوف از نشوز نکرده است در دیگر حالات مرد حق ندارد زن را بزند ولی حتی در حالت خوف از نشوز نیز زن باید غیر مبرح باشد و در وجود زن اثر آن زدن هویدا نباشد. فکر می کنم یادداشت امروز را با شعری از حضرت مولانا به پایان برسانم که هرچه من گفتم او همه را در همان چند بیت افاده کرده است.

زندگی اجتماعی بسیار مغلق است گاهی حوصله زن سر می رود و بر مرد خود خشم می گیرد و گاهی حوصله مرد به دلیل مشکلات بیرون سر می رود و خشم می گیرد اگر هر دو این مسأله را در نظر داشته باشند وقتی یکی خشم گرفت دیگری آرامش را حفظ کرد مشکلی پیدا نمی شود. مشکل وقتی پیدا می شود که هر دو یکجا خشم بگیرند. به هر صورت حضرت مولانا می گوید:

پرکندگی از نفاق خیزد پیروزی از اتفاق خیزد

تو ناز کنی و یار تو ناز	چون ناز دو شد طلاق خیزد
ور زانکه نیاز پیش آری	صد وصلت و صد غنّاق خیزد
تو خون تکبّر ار بریزی	خون جوش کند خنّاق خیزد
رو دُردی ناز را بیالا	زیرا طرب از رواق خیزد
یار آن طلبد که ذوق یابد	زیرا طلب از مذاق خیزد
یار است نه چوب مشکن او را	چون بر شکنی طراق خیزد
این بانگ طراق، چوب مارا	دانیم که از فراق خیزد

(دیوان شمس ص ۹۳ غزل ۷۰۲)

و حرف آخر من برای پدران و مادران افغان اینکه وقتی آنان در خانه طبل نفاق و جنگ و شر و شور بکوبند دختر و پسر خود را نیز از ازدواج بیزار می سازند و نفاق و جنگ را برای آنان نیز طبیعی جلوه می دهند. امیدوارم قاضی و قانون از زنانی که مورد لت و کوب قرار می گیرند دفاع بکند و شوهران زن ستیز را بر سر جای شان بنشانند تا داستان غم انگیز نادای انجمن تکرار نشود که من وقتی این بیتش را می خوانم بی اختیار اشک به چشمم می دود.

اگر می شد که درد و رنج زن را گریه می کردم
گلوی نادای انجمن را گریه می کردم

در یادداشت آینده که آخرین یادداشت من در باره این موضوع خواهد بود از یک رشته ریفرم ها صحبت خواهم کرد که در بهبود وضع زنان کمک می کند. تا یادداشت آینده یار زنده صحبت باقی.

دوم آگست ۲۰۱۵ برمنگهم نگارگر